



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

جلسه هشتاد و سوم؛ ۱۴۰۱/۰۳/۲۹ (فقه معاصر - جلسه هشتم)

### حکم نشر اضافی پول‌های فیزیکی

[قسم دیگر از پول که باید حکم نشر اضافی آن را بررسی کنیم] پول‌های فیزیکی است؛ یعنی پول‌هایی که یا از فلزات گران‌بهای طلا و نقره نیست بلکه از نیکل، سرب، روی و امثالهم است و یا اینکه کاغذی است مانند اسکناس‌های امروزی که در اصطلاح عرف بر این قسم از پول هنوز پول بالمعنی الخاص اطلاق می‌شود. البته در بعضی از محیط‌ها بر بعضی از رمازرها هم اطلاق پول می‌شود، ولی همانطور که در کتاب فقه رمازرها توضیح کافی دادیم، هنوز بالمعنی الدقیق للكلمه پول نشده‌اند، مگر در بعضی از محیط‌های غیر جغرافیایی و احتمالاً بعضی محیط‌های جغرافیایی - مانند السالوادور طبق نقل - که اخیراً به عنوان پول رسمیت یافته‌اند. سیر پیدایش پول اعتباری محض را به طور مفصل در بحث رمازرها و بعضی مباحث دیگر توضیح دادیم و در اینجا مناسب است **تعریف پول** را دوباره ذکر کنیم:

«پول مالی است که به طور معمول در یک اجتماع می‌تواند عوض هر کالا و یا خدمت، در هر شرایطی قرار

گیرد»

این **تعریف** - که شاید در جای دیگری به این نحو ذکر نشده - **جامع و مانع** بوده و در مباحث گذشته خصوصیات و مقومات آن را ذکر کردیم و با توجه به اینکه در این تعریف «مال» اخذ شده، لذا پول باید تمام **خصوصیات مال** را هم داشته باشد و این مطلب را به عنوان یک اصل موضوع در اینجا می‌پذیریم و توضیح

بیشتر آن را احاله به کتاب فقه رمز ارزها می‌دهیم.<sup>۱</sup>

از این تعریف معلوم می‌شود که حاکمیت بالأصالة دخالتی در پول ندارد و ممکن است چیزی پول باشد ولی حاکمیت آن را اصلاً امضاء نکرده باشد. البته مقصود این نیست که حاکمیت نمی‌تواند تأثیر گذار باشد، بلکه می‌گوییم شرط لازم نیست. کما اینکه دخالت منفی حاکمیت هم همیشه تأثیر گذار نیست و نمی‌تواند چیزی را از پول بودن ساقط کند، بلکه مثل سایر کالاها می‌تواند با کنترل عرضه و تقاضا، ارزش آن پول را بالا یا پایین ببرد. بله، اگر دولتی خیلی قدرت و توانایی داشته باشد چه بسا بتواند ارزش پولی را ساقط کرده و یا پولی را به وجود بیاورد، منتها چنین چیزی در ماهیت پول أخذ نشده است.

پس از روشن شدن این نکته کلیدی، این بحث مطرح می‌شود که بعد از اینکه چیزی پول شد که ارزش ماده‌اش قابل قیاس با ارزش مبادلی‌اش نبود و چه بسا اصلاً ماده‌اش ارزش نداشته باشد - مثل اسکناس‌های امروزی که به واسطه نقش و نگارهایی که دارد حتی نمی‌توان به عنوان کاغذ یادداشت از آن استفاده کرد - اگر فرضاً فردی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی، این توانایی را داشته باشد که آن پول رایج را نه به عنوان حاکمیت یا موسسه نشر پول، بلکه به عنوان یک فرد تولید کند و مثلاً حجم پول فیزیکی را از هزار میلیارد به هزار و پانصد یا دو هزار میلیارد برساند و قانون آمره‌ای هم از قبل حاکمیت و آن کسی که منشأ قانون‌گذاری است برای تولید یا عدم تولید پول وجود نداشته باشد، آیا چنین کاری حرام هست و یا اینکه جایز - اعم از واجب، مستحب و... - می‌باشد؟

این نکته را هم باید توجه داشت که در همه مباحث پولی، فرض ما این است که تئوری مقداری پول<sup>۲</sup> را ولو فی‌الجمله می‌پذیریم که بیان می‌کند با فرض ثبات تمام عوامل دیگر، هرچه حجم پول بالا برود، بهای متوسط کالاها هم بالا می‌رود. و این مطلب فی‌الجمله واضح هست هرچند ممکن است کسی در آن مناقشه کرده باشد، ولی اگر تأمل شود به روشنی همه این مطلب را می‌پذیرند. به هر حال این بحث مطرح می‌شود که آیا نشر اضافی پول فیزیکی جایز است یا خیر؟

---

۱. رجوع شود به کتاب «فقه رمزارها، چاپ دوم، صص ۳۷ - ۴۵.

۲. تئوری مقداری پول یا تئوری معادله فیشر « $MV=PT$ » بیان می‌کند سطح قیمت‌ها رابطه مستقیمی با حجم پول دارد  $M$  یعنی پول و  $V$  یعنی سرعت گردش پول و تعداد دفعاتی که پول در طول سال دست به دست می‌شود.  $P$  یعنی متوسط قیمت‌ها و  $T$  یعنی مجموع کالاها و خدمات. (برای توضیح بیشتر مراجعه شود به کتاب فقه رمزارها، ص ۶۸)

همانطور که در مباحث سابق گذشت، خود عنوان «نشر پول اضافی» موضوعی نیست که تحت حکم شرعی رفته باشد و در هیچ آیه یا روایتی چنین عنوانی وجود ندارد، لذا باید عناوین دیگری بر آن منطبق شود تا موجب شود «نشر پول اضافی» مصداق آن عنوان شود و به تناسب آن عنوان حکم به حرمت، کراهت، وجوب، استحباب یا اباحه آن شود.

اگر فرضاً سایر شرایط ثابت باشد و اقتصاد هم در ظرفیت کامل باشد، یا اینکه ظرفیت اقتصاد کامل نباشد ولی زیرساخت‌ها فراهم نباشد تا به واسطه نشر پول اضافی، اقتصاد رونق پیدا کند، نتیجه قطعی نشر پول اضافی ولو در دراز مدت، آن است که قدرت خرید بقیه پول‌هایی که در دست مردم است کم شده و کالاها گران می‌شود. البته این عارضه منفی در صورتی است که پول اضافی وارد بازار شود؛ یعنی فرد تولید کننده پول با آن پول‌ها، کالا یا خدمت بخرد و یا اینکه پول را به هر نحوی - مانند توزیع به عنوان یارانه و ... - در اختیار دیگران بگذارد، اما اگر کسی پول اضافی را تولید کرده و انبار کند و آن را وارد بازار نکند، چنین عارضه‌ای وجود نخواهد داشت. به هر حال آیا این عارضه موجب می‌شود که نشر پول اضافی حرام باشد؟

اولین احتمال یا توهمی که وجود دارد این است که حرام باشد؛ چراکه یکی از عناوین محرمه مانند غش، غرر، دروغ، نقض تعهد، اضرار، ایداء، اکل مال بالباطل، اخلال در نظام [یا احتمالاً بعض عناوین محرم دیگر] بر آن منطبق می‌شود. حرام هم در اینجا اعم از حرام وضعی یا تکلیفی است و محرم وضعی هم چه بسا اگر کسی خواسته باشد ترتیب آثار بدهد، برگشتش به محرم تکلیفی باشد؛ زیرا وقتی کسی با پولی که ملکش نیست چیزی بخرد و در آن شیء تصرف کند، حرام می‌شود.

این مطلب را هم نباید فراموش کرد که فرض مسئله در جایی است که آنچه فرد تولید کرده، پول است؛ یعنی خود این کاغذ با خصوصیتی که دارد، ارزشمند است و به عنوان پول شناخته می‌شود و کاری نداریم که آیا پشتوانه دارد یا خیر؛ زیرا قبلاً روشن کردیم در این زمان‌ها پشتوانه به گونه معهود حتی برای پول‌های کاغذی لزومی ندارد، هرچند ممکن است در کشوری پشتوانه وجود داشته باشد کما اینکه در ایران تا قبل از قانون در فرآیند تصویب، وجود داشت، ولی در برخی از کشورها پشتوانه بالمعنی الخاص وجود ندارد؛ مثلاً آمریکا رابطه دلار را با طلا در زمان آبراهام لینکن نسبت به مردم آمریکا قطع کرد و در زمان نیکسون این رابطه

کلاً قطع شد.<sup>۳</sup> علاوه آنچه به عنوان پشتوانه معهود مطرح می‌شود نیز حیثیت تقیدیه ارزش پول نیست بلکه حیثیت تعلیلیه است. البته اینچنین هم نیست که تولید و پخش اسکناس بدون حساب و کتاب باشد، بلکه قوانین و ضوابط خود را دارد که اگر نباشد یا اصلاً چیزی به عنوان پول اعتباری محقق نمی‌شود یا به سرعت از اعتبار و ارزش ساقط می‌شود.

در دفع این توهّم می‌گوییم: علی‌الفرض آنچه را که فرد تولید می‌کند چون پول است و مانند سایر پول‌ها قیمت دارد، لذا اگر چیزی با آن بخرد مصداق **أکل مال بالباطل** نیست؛ زیرا در جایی این عنوان صادق است که هیچ در مقابل آن نباشد.

همچنین مصداق **غش** نیست؛ زیرا غش در جایی است که موجب تعمیه و فریب کسی شود، در حالی که اینجا فریبی نیست و می‌توان فرض کرد که آن فرد رسماً اعلام کند که این پول را خودش چاپ کرده است و حتی اگر رسماً هم اعلام نکند باز مصداق **غش** نیست؛ زیرا عین همان پول رایج را تولید کرده است. و چون امر مجهولی هم وجود ندارد، توهّم صدق غرر هم منتفی است.

مصداق **دروغ** هم نیست چون فرض می‌کنیم فرد اعلام می‌کند که آن پول‌ها را خودش تولید کرده است. **خلاف تعهد** هم انجام نداده است؛ چون علی‌الفرض آن فرد تعهدی در این زمینه نداده است. کما اینکه این امر را در جایی فرض می‌کنیم که قانون معتبری از آن منع نکرده باشد، آنچنان که بنا به فرض آن مقدار پول اضافی تولید و نشر می‌کند که اختلال در نظام لازم نیاید.

مهمترین عنوانی که باقی می‌ماند «**اضرار**» و نیز «**ایذاء**» است به اینکه آن فرد می‌تواند چیزی بخرد که غیر او که آن پول‌ها را در اختیار ندارد نمی‌تواند بخرد و این کار موجب می‌شود که قیمت کالا و خدمات بالا برود؛ چون علی‌الفرض تولید کالا و خدمات ثابت است و افزایش تقاضا موجب رشد قیمت می‌شود و در نتیجه کسانی که این پول اضافی را در اختیار ندارند متضرر می‌شوند. و قدرت خریدشان کاهش پیدا می‌کند. لذا ممکن است گفته شود «**لاضرر**» جاری بوده و تولید پول اضافی جایز نیست یا عمل او موجب ایذاء دیگران می‌شود.

اما در حقیقت «**لاضرر**» در اینجا جاری نیست؛ زیرا «**لاضرر**» **امتنانی** بوده و در جایی جریان دارد که موجب

---

۳. رجوع شود به فقه رمزارزها، چاپ دوم، ص ۵۳-۶۲.

امتنان برای طرفین باشد، و الا اگر برای دارنده آن پول اضافی ضرری بوده و فقط امتنان نسبت به دیگران باشد جاری نیست. بدین جهت بسیاری از فقها گفته‌اند اگر کسی خانه‌ای بسازد یا درختی بکارد و موجب شود سایه‌ای در خانه همسایه بیفتد بدون اینکه در اموال او تصرف کند، نمی‌توان گفت کارش حرام است هرچند موجب شود همسایه ضرری ببیند. بنابراین مدلول «لاضرر» این نیست که مالک تصرف در مالش نکند تا دیگری بتواند از مالش بهره‌مند شود؛ چراکه «لاضرر» امتنانی است. بله، اگر در جایی ضرر وارد بر غیر خیلی سطح بالا باشد، در این صورت شاید کسی بگوید «لاضرر» جاری است، ولی در حالات معمولی جاری نیست.

**وانگهی** در بسیاری از موارد خود آن افراد اقدام به استفاده از وسیله‌ای برای انباشت ارزش یا مبادله کرده‌اند که این خاصیت را دارد که دیگری می‌تواند آن را تولید کند و در نتیجه ارزشش پایین بیاید. و در جایی که کسی خودش اقدام به ضرر کند، «لاضرر» شامل حال او نمی‌شود. و اینکه در شرایطی مردم اضطراب به استفاده از چنین ابزاری دارند، این موجب نمی‌شود کسی را که در ایجاد این اضطراب دخیل نبوده مسئول بدانیم. بله، ممکن است او و دیگران مسئولیتی در مقابل این اضطراب در پاره‌ای موارد داشته باشند ولی این ارتباطی به قضیه نشر پول اضافی ندارد؛ چون هیچ نقشی در پدید آمدن اضطراب ندارد. کما اینکه ایذاء حرام هم در اینجا وجود ندارد؛ زیرا تصرفی در مال، عرض و جان دیگری نیست و قصد ایذاء هم نیست و روشن است که حرمت ایذاء هم امتنانی است.

بنابراین هیچ کدام از این عناوین نمی‌تواند موجب حرمت نشر اسکناس اضافی شود. بله، **تنها عنوانی** که ممکن است در اینجا منطبق شود، عنوان «**اخلال در نظام اجتماع**» است؛ یعنی برخی مراتب نشر پول در بعضی شرایط موجب می‌شود که نظام اجتماعی به حدی به هم بخورد که فرد موظف باشد نظام را حفظ کند هرچند محروم از بعضی حقوقش شود، در این فرض می‌پذیریم که تولید اسکناس اضافی در چنین وضعیتی جایز نیست؛ چراکه اخلال به نظام حرام است. منتها همان‌طور که اشاره شد اخلال در نظام باید در حدی باشد که فرد حق نداشته باشد حتی از بعضی نعمات خود منتفع شود و باید نظام را حفظ کند، ولی اگر در این حد نباشد، نمی‌توان ملتزم به حرمت شد؛ زیرا «حرمت اخلال به نظام» یک دلیل لَبّی است و فقط در حدی که یقین داریم می‌توان به آن ملتزم شد.

اما اگر در جایی فرضاً تولید اسکناس اضافی موجب اخلال در نظام نشود، مانعی ندارد؛ فرضاً وقتی پول

اضافی وارد چرخه اقتصاد می‌شود، به خاطر بالا رفتن تقاضا، ولو در دراز مدت موجب می‌شود که تولیدکنندگان تشویق به تولید بیشتر شده و عرضه کالا و خدمات بیشتر شود و در نتیجه سرمایه‌گذاری بیشتر و اشتغال بیشتر ایجاد شود. در چنین حالتی نه تنها اختلال نظام لازم نمی‌آید بلکه نظام در وضعیت مطلوب‌تری هم قرار می‌گیرد.

بنابراین هر یک از افراد جامعه - افراد عادی که مسئولیتی ندارند - برای آنها نشر اسکناس اضافی مانعی ندارد. منتها همان‌طور که اشاره شد حکم جواز در این مسئله، با **صرف نظر از قوانین آمراهی** است که معمولاً در هر جامعه‌ای برای نشر و توزیع اسکناس وجود دارد. حال اگر حکومت شرعی باشد، قوانین آن هم شرعاً لازم‌الاتباع هستند و اگر حکومت شرعی نباشد، افراد به اجبار ملزم به رعایت آن قانون هستند و گرنه الزام شرعی ندارد مگر در شرایط خاصی.

آنچه تا کنون بیان کردیم، از لحاظ حکم مسئله نسبت به افراد جامعه بود، اما درباره حکم مسئله نسبت به

#### دولت‌ها و حاکمیت می‌گوییم:

از آنجا که حاکمیت - حاکم شرعی یا حتی حاکم عقلانی - موظف است مصالح و مفاسد جامعه را رعایت کند و مانند فرد نیست که هر کاری که خواست بتواند انجام دهد، لذا نمی‌توان گفت تنها محذور و عارضه منفی‌ای که وجود دارد اختلال نظام است، بلکه اگر شرایط جامعه به نحوی باشد که **مصلحت** ایجاد کند پول بیشتری نشر کند، در چنین وضعیتی نشر و توزیع پول اضافی مانعی ندارد، مانند اینکه اقتصاد در حالت رکود بوده و حجم پول در جامعه برای سرمایه‌گذاری و رونق تولید کم باشد. البته در حدی که عقل بشری اقتضاء می‌کند حاکمیت باید دقت و کارشناسی انجام داده و نباید نسبت به آن کوتاهی کند. همچنین در شرایطی که اقتصاد در ظرفیت کامل است منتها دولت در شرایطی قرار دارد که نمی‌تواند هزینه‌های لازم خود را از طرق دیگری تأمین کند، همان‌طور که در مورد فرد توضیح دادیم که این کار حرام نبوده و خلاف شرع نیست، برای دولت‌ها هم مانعی ندارد و می‌توانند در شرایطی هزینه‌های خود را از این طریق تأمین کنند. البته شرایط باید به گونه‌ای باشد که ناشی از سوء مدیریت و اهمال کاری دولت نباشد، بلکه مثلاً شرایطی باشد که دشمن تحمیل کرده یا فرضاً دولت قبلی کم‌کاری کرده و دولت فعلی چاره‌ای جز آن نداشته باشد. به هر حال اگر عقلاً یا عقلاً مصلحت اقتضاء این کار را داشته باشد، مانعی ندارد.

بله، اگر در جایی قانون خاصی برای انتشار اسکناس وجود داشته باشد، طبیعی است دولت نمی‌تواند فراتر از قانون عمل کند و باید به آن پای‌بند باشد؛ مثلاً در جمهوری اسلامی ایران، قانون پولی بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ هجری شمسی همچنان حاکم است<sup>۴</sup> که باید اسکناس‌های در گردش یک نسبت خاصی با طلا و ارزهای موجود و چیزهای دیگری که در قانون ذکر شده داشته باشد و دولت‌ها مجاز به تخلف از این قانون نیستند. البته اگر در جایی ضرورتی پیدا شود و ولی فقیه‌ی‌ع‌الله‌تعالی‌عزوجلّ‌ع‌ل‌یه‌وس‌ل‌م‌ع‌ل‌یه‌وا‌ج‌وب‌علیه‌السلام اذن دهد، بحش جداست و مانعی ندارد، منتها در حالات عادی و به صرف مصالح عادی، دولت مجاز به انجام چنین کاری نیست.

آنچه گفتیم در مواردی بود که قانون ویژه برای نشر پول اضافی وجود داشته باشد، اما اگر در جایی چنین قانون خاصی وجود نداشته باشد، حاکمیت فقط مصالح را در نظر می‌گیرد، لذا اگر مصلحت اقتضاء نشر پول اضافی کند، چنین کاری مانعی ندارد؛ فرضاً اگر اقتصاد کشوری با توجه به شرایطی که وجود دارد نیاز داشته باشد که مقداری پول به جامعه تزریق شود، مانعی ندارد که حاکمیت از طریق خرید، وام دادن و سایر راه‌هایی که وجود دارد، حجم پول در گردش را مقداری زیاد کنند. و کذلک بالعکس اگر در جایی مصالح اقتضاء کند که حجم پول در گردش کاهش پیدا کند، مانعی ندارد که حاکمیت از طرقی که وجود دارد مانند فروش اوراق قرضه، بخشی از پول را از چرخه اقتصاد خارج کند. البته باید توجه داشت که بحث ما در اینجا فقط از حیث نشر اسکناس اضافی است.

**خلاصه بحث درباره نشر اضافی پول اعتباری فیزیکی این شد که یک شخص حقیقی یا شخص حقوقی می‌تواند پول اضافی منتشر کند - هرچند این فرض ممکن است در دنیای امروز مصداق نداشته باشد - بدون آنکه هیچ یک از عناوین محرّمه «غرر، غش، اکل مال بالباطل، اضرار، ایذاء، دروغ، خلاف تعهد و احیاناً عناوین دیگری نظیر اینها» بر عمل او مترتب باشد و چنین کاری وضعاً یا تکلیفاً حرام نیست.**

و گاهی بحث از حیث حاکمیت خصوصاً حاکمیت اسلامی مطرح می‌شود، و از آنجا که حاکمیت موظف است مصالح و مفاسد مردم و جامعه را در نظر بگیرد، لذا جواز و عدم جواز این کار نیز تابع مصالح و مفاسد است. البته در مرحله اول رعایت قانون است؛ به این معنا که اگر این کار مخالف قانون نباشد، آن وقت تابع مصالح و مفاسد است. مصالح و مفاسد را هم در بسیاری از اوقات افراد عادی نمی‌توانند دقیق تشخیص بدهند،

---

۴. البته در دست تغییر است.

بلکه تشخیص آن بر عهدهٔ افراد خبره است. و معمولاً هم امثال این کارها یک نوع عوارض منفی دارند منتها باید منافعش بر مضارش غلبه داشته باشد و در عین حال خلاف قانون هم نباشد.

این تمام کلام در بحث نشر پول فیزیکی که گفتیم ربما از آن تعبیر به پول پایه یا پول پر قدرت می‌شود. البته باید توجه داشت که پول پایه منحصر در اینها نیست، و مقصود از نشر هم این است که الان تولید کرده و وارد بازار کند یا اینکه قبلاً تولید و انبار کرده و الان آن پول‌ها را وارد چرخهٔ اقتصاد کند. مبحث بعدی که در اینجا مطرح می‌شود، بحث لوازم نشر پول است که اگر پول دست بانک‌های تجاری باشد و آنها اقدام به پول آفرینی یا همان خلق پول کنند، چه احکامی دارد؟ و از آنجا که قبلاً این مبحث را رسیدگی کردیم، لذا اگر همان مباحث در اینجا ضمیمه شود بحث، کامل می‌شود. و اگر خداوند متعال توفیق داد و مصلحت هم بود، إن شاء الله بعداً با تفصیل بیشتری آن را مطرح خواهیم کرد.

والحمد لله رب العالمین

تقریر و تنظیم: جواد احمدی